

نوع مقاله: ترویجی

بازخوانی و تحلیل شاخصه‌ها و پیامدهای حیات دینی پادشاهان ساسانی

سیدحامد نیازی / دانشجوی دکتری مدرس‌ی معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

seyyed_ha@yahoo.com  orcid.org/0000-0002-9240-4031

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

چکیده

قرآن کریم با تأکید بر جزیره‌العرب، بر حیات جاهلی در گستره جهان مقارن ظهور اسلام اشاره دارد. بالطبع این سؤال مطرح است که وضعیت ایران عصر ظهور اسلام چگونه بوده است؟ و سؤال دقیق‌تر این که وضعیت دینی پادشاهان به‌عنوان عنصر اصلی قدرت، در ایران مقارن ظهور اسلام به‌چه صورتی بوده است؟ از این‌رو متن پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تاریخی، به این سؤال پاسخ داده که شاخصه‌ها و پیامدهای حیات دینی پادشاهان ساسانی چیست؟ برون‌داد پژوهش مذکور بر شاخصه‌های نامعقول در حیات دینی پادشاهان ساسانی و پیامدهای منفی آن تأکید دارد. پژوهش پیش‌رو مبتنی بر شاخصه‌های چهارگانه: تعریف جایگاه خداگونه، تعریف جایگاه «جانشین منصوب خدا»، تنوع مذهبی، و رویکرد قهرآمیز نسبت به دیگر مذاهب است. شاخصه‌های مذکور به ایجاد انحراف بیشتر در دین زرتشت، ثروت‌اندوزی بزرگان زرتشتی، فاصله‌گیری مردم از معنویت و اکتفا به اعمال سخت و نامعقول، گسترش مسیحیت در ایران، و مهاجرت مردم منجر گردید. شرایط بیان‌شده در کنار دیگر موارد، وضعیت دشواری برای مردم ایران فراهم ساخته بود؛ از این‌رو با ورود اسلام به ایران، مردم به استقبال آن رفته و مسلمان شدند.

کلیدواژه‌ها: جاهلیت، ایران، پادشاهان ساسانی، حیات دینی، شاخصه‌ها و پیامدها.

مقدمه

دین در ساحت فردی و اجتماعی، همزاد و همزیست بشر از ابتدا تاکنون بوده است؛ بنابراین «موضوع دین»، از محورهای اصلی بررسی ادوار تاریخی محسوب می‌شود. عصر ساسانیان نیز از این مسئله مستثنا نیست و طبقات مختلف در ایران دوره دوم پارسی شامل الف، مردم، ب، بزرگان زرتشتی، ج، پادشاهان ساسانی و دربار، دارای حیات دینی بوده‌اند. بازخوانی و تحلیل شاخصه‌های حیات دینی پادشاهان ساسانی و پیامدشناسی آن با رویکرد تاریخی به‌عنوان عنصر اصلی تحولات در ایران، مورد دقت پژوهش پیش‌روست. بنابراین با تأکید بر گزاره‌های تاریخی، به بازخوانش و تحلیل شاخصه‌های حیات دینی پادشاهان ساسانی و گونه‌شناسی پیامدهای آن پرداخته شده است.

حرکت تاریخی بشر بر حیات دینی استوار بوده است. فلات ایران از مناطقی است که زیست مذهبی را در طول حیات تاریخی خود تجربه کرده است. در دوره پارسی دوم، پادشاهان ساسانی با تکیه بر زیست مذهبی مردم، بر دین زرتشت تحریف شده و گسترش آن در ایران تأکید داشتند. تحقیق پیش‌رو به سؤال چستی‌شناسی و پیامدشناسی شاخصه‌های حیات دینی پادشاهان ساسانی پاسخ داده است. فرضیه تحقیق بر وجود شاخصه‌های چهارگانه در حیات دینی پادشاهان ساسانی متکی است. شاخصه‌های اربعه، با رویکرد تحلیلی، به آثار و پیامدهای مختلفی رهنمون است. ضرورت و اهمیت تحقیق مبتنی بر پیامدشناسی شاخصه‌های نامعقول حیات دینی پادشاهان ساسانی است که به تضعیف پایه‌های حیات سیاسی آنها منجر گردید؛ به‌طوری‌که امپراطوری روم شرقی به‌دنبال تشکیل امپراطوری جهانی مسیحیت برآمد. لکن با ظهور اسلام و ورود آن به ایران، مردم، با اشتیاق از اسلام استقبال کردند و امپراطوری روم شرقی از هدف خود بازماند.

ساسانیان همانند امویان و عباسیان، دین را بازیچه خود قرار داده بودند و از آن استفاده ابزاری می‌کردند. توصیف و تحلیل حیات تاریخی پادشاهی ساسانیان با در نظر گرفتن ضلع دینی آن، توسط مورخان متقدم صورت گرفته است. پیشینه موضوع تحقیق پیش‌رو به صورت اجمالی، با نگرش و رویکردی کلی، به زمان نگارش منابع تاریخی نخستین بازمی‌گردد. به این معنا که در منابع اولیه تاریخی به حیات دینی پادشاهان ساسانی پرداخته شده است؛ مانند *مروج الذهب و معادن الجوهر مسعودی، التنبیه و الاشراف مسعودی، اخبار الطوال دینوری، تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی*. در سیر تطورات و تحولات

نگارشی، به انعکاس گزارش‌های تاریخی مربوط به حیات تاریخی پادشاهان ساسانی اکتفا شده است. محققان در دوره معاصر با رویای متعدد و متنوع به وضعیت دینی آن دوره پرداخته و آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. تعدادی از پژوهش‌ها به وضعیت‌شناسی دینی عصر ساسانیان به‌صورت کلی اقدام کرده‌اند؛ مانند: مقاله «وضع سیاسی، مذهبی ایران در آستانه ظهور اسلام» (مفتخری، ۱۳۸۱). برخی پژوهش‌ها به‌موضوعات دینی ایران دوره ساسانیان پرداخته‌اند؛ مانند: مقاله‌های «هم‌شهری، هم‌موبدی؛ گفتاری در حقوق مذهبی ایران در دوره ساسانیان» (جعفری‌تبار، ۱۳۸۴)؛ «اصلاح‌طلبی و فروپاشی» (آقایی، ۱۳۸۰-۱۳۸۱). پژوهش‌هایی نیز به مسائل مرتبط با بزرگان زرتشتی پرداخته‌اند؛ نظیر: مقاله‌های «نقش روحانیان زرتشتی در ساختار جامعه ایران عصر ساسانیان» (صالحی و دیگران، ۱۳۸۸)؛ «زرتشتیان ایران و اوصاف آنها» (نمیرانیان، ۱۳۸۱). برخی پژوهش‌ها به مکان‌های دینی عصر ساسانیان پرداخته‌اند؛ مانند: مقاله‌های «مهرها و اثر مهرهای تخت سلیمان - آتشکده اذرگشنسب» (تمری، ۱۳۹۰)؛ «کارکرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آتشکده‌ها در عصر ساسانی» (میرزایی، ۱۳۸۸). ابعادی از تحقیق پیش‌رو نیز در برخی تحقیقات منعکس شده است؛ مانند: مقاله‌های «فراز و فرود مسیحیت در نگرش حکومت‌های ایران» (امینی‌فر و دشتی، ۱۳۹۰)؛ «سیاست مذهبی دولت ساسانی در برخورد با روم شرقی» (وامقی، ۱۳۷۷)؛ «سیاست دینی خسرو دوم» (رضاء، ۱۳۸۱)؛ «روند مناسبات دینی و سیاست در ایران باستان با تکیه بر دوره ساسانیان» (زمانی، ۱۳۸۵). پژوهش‌های اخیر، نزدیک‌ترین ساحت معرفتی را با تحقیق پیش‌رو دارند. توصیف‌شناسی شاخصه‌های حیات دینی ساسانیان و پیامدشناسی آن، از وجوه ممیزه تحقیق پیش‌رو با دیگر تحقیقات همسو ارزیابی می‌شود. از این‌رو نوآوری پژوهش انجام‌گرفته، از جهت پرسش اصلی و پاسخ آن و نیز تقریر و چیدمان اجزای بحث است که در دو محور محتوایی نمایان است: اول: شاخصه‌شناسی حیات دینی پادشاهان ساسانی، دوم: پیامدشناسی شاخصه‌های حیات دینی پادشاهان ساسانی.

گونه‌شناسی منابع مستفاد در تحقیق پیش‌رو عبارت است از: الف. منابع دینی کهن زرتشتیان؛ مانند *اوستا* و کتاب *روایت پهلوی*. ب. منابع نخستین تاریخی؛ مانند: *تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، اخبار الطوال دینوری، مروج الذهب و معادن الجوهر مسعودی، التنبیه و الاشراف*

دو خدا معتقد بودند: اول، پادشاه بزرگ و پدران او، چه زنده و چه مرده، به‌عنوان انسان‌های خداگونه و مادی؛ و دوم، خدایان به معنای واقعی کلمه و معنوی (ویسپوهفر، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷-۲۰۸). توضیح اینکه پادشاهان ساسانی خود را از نژاد خدا و شخصیتی ربانی می‌دانستند (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۰۰). آنها خود را صورت یزدان و وجودی الهی و واجب‌الاحترام، نیز آدمی فناپذیر از میان خدایان معرفی می‌کردند (باهنر و هاشمی، بی‌تا، ص ۳۶) و خود را خداوندگار ایران می‌دانستند (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۳۷). این رویکرد در نقوش باقی مانده از آن دوره دیده می‌شود (فرای، ۱۳۸۰، ص ۵۹۱-۵۹۶؛ زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۱۷؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

۲-۲. تعریف جایگاه «جانشین منصوب خدا»

پادشاهان ساسانی می‌گفتند: جانشینی خدا حق ایزدی است و فقط از خاندان آنها می‌تواند پادشاه ایران شود (دینوری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳-۱۰۶؛ زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۸). از این رو خود را جانشین خداوند روی زمین و مأذون معرفی می‌کردند (دینوری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳-۱۰۶؛ یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۴؛ زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۷۸؛ باهنر و هاشمی، بی‌تا، ص ۳۶) و آن را هدیه‌ای از جانب خدا می‌دانستند (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

۲-۳. تنوع مذهبی

ساسانیان با رویکردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تغییر مذهب اقدام می‌کردند. درحالی‌که حکم مرتد در آن زمان، اعدام بود؛ (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۷۶؛ همو، ۱۳۷۴، ص ۹۶؛ محمودآبادی، ۱۳۷۷) / *ردشیر بابکان* به مسیحیت گرایش یافت (دینوری، ۱۳۹۰، ص ۱۱؛ زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹) و فرزندش *فیروز*، بودایی شد (زرین کوب، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹)؛ *شاپور اول* از دین زرتشت به مانویت تغییر مذهب داد (یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹۶؛ مسعودی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۴۳؛ مشکور، ۱۳۸۹، ص ۸۲). دینوری حمایت‌های *شاپور* از مانی را مطرح نکرده و نوشته: به روزگار *شاپور*، مانی زندیق ظهور کرد و مردم را فریب داد و *شاپور* پیش از آنکه بر او دست یابد، درگذشت (دینوری، ۱۳۹۰، ص ۷۳). گفته شده: *شاپور* از مانی تأثیر پذیرفت و به او در گسترش دین نو در امپراطوری ساسانی یاری رساند و تا مدتی، ازجمله پیرامونیان *شاپور* گشت و دو برادر وی به نام‌های *مهرشاه* و *پیروز* را به کیش

مسعودی، ج. تحقیقات معاصر که مشتمل بر پژوهش‌های محققان ایرانی و محققان غیرایرانی است. عدم دسترسی به منابع غیرمکتوب مرتبط، ازجمله محدودیت‌های تحقیق پیش‌رو ارزیابی می‌شود. با استفاده از منابع و تحقیقات بیان شده و دیگر موارد، برای اطلاع از ظرفیت‌های شناختی در حوزه دین‌مداری پادشاهان ساسانی، فرایندشناسی تاریخی ساختار دینی پادشاهی ساسانی و شاخصه‌های حیات دینی پادشاهان ساسانی مورد دقت تاریخی قرار گرفته و پیامدهای شاخصه‌های دینی آنها بیان می‌شود. لازم به ذکر است منظور از دین زرتشت در پژوهش پیش‌رو، دین زرتشت تحریف شده است.

۱. فرایندشناسی تاریخی ساختار دینی پادشاهان ساسانی

با ظهور مذهب زرتشت و «ترویج آن با شمشیر»، ایرانیان به اجبار زرتشتی شدند. در ادامه، افرادی نظیر *تسر*، زمینه را برای تأسیس ساسانیان آماده کردند و *اردشیر بابکان*، سلسله ساسانیان را با استفاده ابزاری از دین زرتشت تحریف شده، تأسیس کرد (مسعودی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۸۵-۹۳). در ادامه حدود ۳۴ نفر *مسیر/ردشیر* را ادامه دادند (همان، ص ۹۳-۹۶؛ *پیرنیا*، ۱۳۹۳، ص ۱۷۹) که آخرین آنها *یزدگرد سوم* بود (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۵). وی نیز بعد از ۴ سال کشته شد و توسط مسیحیان و با احکام آنان، دفن گردید (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۹۷). از این رو دودمان ساسانی بعد از حدود ۴۲۰ (۴۳۷) سال (همان، ص ۹۰) منقرض شد و از میان رفت (*پیرنیا* و *آشتیانی*، ۱۳۷۰، ص ۲۳۳-۲۳۴). پیامد ثنویت زرتشتی (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۸۹)، تنوع مذهبی در توحید و شرک بود. آیین زرتشتی به‌عنوان دین رسمی ساسانیان (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱)، رقبایی نظیر بودیسم، مسیحیت، مانویت، مزدکی (*پیرنیا*، ۱۳۹۳، ص ۲۴۹-۲۵۲) را تا پایان حیات سیاسی خود احساس می‌کرد (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۱۳۹-۲۲۵).

۲. شاخصه‌های حیات دینی ساسانیان

ظرفیت‌شناسی تاریخی حیات دینی پادشاهان ساسانی رهنمون شاخصه‌های چهارگانه در حوزه دینداری است؛ که در ادامه بیان می‌شود.

۲-۱. تعریف جایگاه خداگونه

پادشاهان ساسانی خود را خداوندگار (*پهلوی*) معرفی می‌کردند؛ و مردم، معتقد به صفات الهی برای آنها بودند! از این رو ایرانیان عصر ساسانیان به

خود در آورد و کتاب شاپورگان را به شاپور اهدا کرد (فرای، ۱۳۸۰، ص ۴۸۰-۴۸۱). شاپور/ول به مردم ایران دستور داد تا از مذهب زرتشت دست برداشته و به مانویت بگردند (یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹۶). با گذشت زمان، شاپور دست از مانویت برداشت (همان، ص ۱۹۷). گروه یزدگرد/ول به مسیحیت (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۲) منجر به «نوسازی کلیساهای خراب، آزاد شدن عیسویان زندانی و سفرهای تبلیغی کشیشان در ایران گردید (مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۱۲). گسترش این مسئله، به آزادشدن تبلیغ مسیحیت در ایران منتهی شد. شدت علاقه وی به مسیحیت، آن قدر زیاد بود که مسیحیان او را پادشاه مسیحی می خواندند (همان). با این حال بعد از مدتی دست از مسیحیت برداشت (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۲). تنوع طلبی دینی او با «زدواج با دختر رأس جالوت یهودی» (همان) استمرار یافت. خشونت‌های مذهبی وی علیه مسیحی‌ها و زرتشتی‌ها باعث شد هم آتشگاه و هم کلیسا او را گنهکار بخوانند (همان). از دیگر مذاهب عصر ساسانیان، مزدک است. مزدک موبدی بود که اوستا را تأویل و برای آن باطنی بر خلاف ظاهر قرار می‌داد. او اولین کسی بود که در شریعت زرتشت به تأویل و باطن پرداخت و از ظاهر بر گشت (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۹۵). مزدک با رویکردهای جاهلی بیان می‌داشت که باید اموال مردم و نیز زنان، مشترک باشند (یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۲)؛ زیرا معتقد بود «خدا روزی‌ها را در زمین نهاد تا بندگان به مساوات تقسیم کنند و مردم در کار آن با یکدیگر ستم کردند». از این رو مردم به خانه دیگران می‌رفتند و به اموال و نوامیس تجاوز می‌کردند و کسی را یارای مقاومت آنها نبود (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴۰). *قباد/ول* در کنار توصیه به تألیف کتاب احکام شریعت مسیحیت، (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۶۲) به مزدک گروید (مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۲؛ پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۰۳؛ گیرشمن، ۱۳۸۸، ص ۳۶۲؛ هوار، ۱۳۶۳، ص ۱۳۳؛ زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴) و با جنبش *یاحت* که مزدک پدید آورده بود، موافقت کرد. وی در جهت مستقر ساختن و رسمیت بخشیدن *یاحت* نساء تلاش‌ها کرد (کریستن سن، ۱۳۷۴، ص ۱۱۴). از این رو تجاوزهای گسترده‌ای به جامعه زنان ایران شد و وضع به قدری بحرانی گردید که فرزند، پدر خود را نمی‌شناخت و پدر نیز فرزند خود را؛ در عین حال *قباد* در کنترل مزدکیان بود (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴۰؛ مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۲). آیین مزدک با ورود

اسلام به ایران، بارها (در مقابل اسلام) خودنمایی کرد (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۳۴۰-۳۵۷). اگرچه مزدک به دستور خسرو اول کشته شد (یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۲)؛ با این حال خسرو *انوشیروان* به آیین مسیحیت علاقه نشان می‌داد (کریستن سن، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹). وی دستور به ترجمه عهد عتیق به زبان پهلوی را نیز صادر کرد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳). هرمز چهارم اقدام به تغییر ماهوی و معرفتی متون مذهبی زرتشتی کرد (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۶۵). خسرو پرویز در راستای پناهندگی به دشمن، «برای تصاحب قدرت در ایران، با دختر امپراطوری روم، مریم مسیحی، ازدواج و تحت تأثیر او، اقدام به گسترش معنوی و مادی مسیحیت در ایران کرد» (مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۰۳؛ زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۷). عشق خسرو پرویز به شیرین مسیحی (همسر دیگر خسرو دوم) و نفوذ فوق‌العاده شیرین در او، باعث شد امتیازات و امکانات فراوان به نصارای ایران اعطا کند (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۳۳ و ۷۶۶؛ زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۷؛ زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۴۶؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۴۶۹-۴۷۳)؛ زیرا مسیحیان ایرانی توسط شیرین، مدیریت و رهبری معنوی می‌شدند (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۴۷۰). در این ارتباط‌های گسترده، خسرو پرویز به آیین مسیحیت و آداب و رسوم آن گروید (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۷؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۴۶۹)؛ به طوری که جامه‌های صلیب دار می‌پوشید (یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۹). اقدامات وسیع آخرین پادشاه مستقر ساسانیان در ایران (*یزدگرد سوم*) نسبت به مسیحیان، مانند ارتقای سطح اجتماعی مسیحیان در ایران، ساخت کلیساها و استوارسازی مسیحیت، باعث شد تا مسیحیان وی را با احترام طبق احکام و آداب ترسایی، دفن کنند (مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۱۲). برخی محققان معاصر معتقدند تنوع مذهبی پادشاهان ساسانی ناشی از: «تسامح مذهبی» (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶؛ محمودآبادی، ۱۳۷۷)، «تلاش برای اتحاد مناطق مختلف» (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۴۳۲-۴۳۴)، «ابزاری برای کاستن از نفوذ نجبا و بزرگان زرتشتی» (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۰۳؛ مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۲۹)، «کنجکاوی در مورد مذهب» (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶) و «درمان پادشاه توسط اسقف مسیحی» بوده است (مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۱۲). ادبیات تاریخی مذکور در حوزه معرفت تاریخی، قابل بررسی است. نکاتی که موارد مذکور را قابل تأمل می‌کند، در ادامه بیان می‌شود.

این کار کربن‌یابی/رشدنی نبود؛ زیرا منابع ارمنیان و سریانیان از شور و تلاش اردشیر در این زمینه سخن رانده‌اند (فرای، ۱۳۶۸، ص ۲۵۳). رویکرد قهرآمیز ساسانیان نسبت به دیگر مذاهب در طول تاریخ، خونین‌بار بود؛ به طوری که در کنار «قتل‌عام بوداییان در شرق ایران» (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۸۹) «مانویان و مزدکیان، زیر شکنجه‌های هول‌انگیز کشته می‌شدند» (هوار، ۱۳۶۳، ص ۱۵۸). «کتب اعمال شهدای ایران برای دانستن آزار و تعقیب عیسویان ایران توسط ساسانیان، از منابع بسیار معتبر محسوب می‌شود» (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۹۴). با قدرت‌یابی/رشدنی، آزار و اذیت مسیحیان، صورتی تازه یافت (ویسهوفر، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷). ویسهوفر از قول آدیان نکات مهمی را در این حوزه از سنگ‌سار و اعدام تا زجر و شکنجه‌های سخت یادآوری می‌کند (ویسهوفر، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷). خشونت‌ها در دوره شاپور دوم تشدید (زرین کوب، ۱۳۷۵، ص ۱۹۵؛ نویسندگان، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۱۷؛ سایکس، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۶۶) و در دوره اردشیر دوم شور و حرارتی مضاعف یافت (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱-۲۱۲). یزدگرد اول تضاد معرفتی در حوزه مذهبی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داد؛ لذا در ابتدا حمایت‌های حداکثری از مسیحیت را انجام و پس از دست کشیدن از مسیحیت، «به آزار و اذیت مسیحیان پرداخت» (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۱۳). «یزدگرد اول به انهدام فرقه مسیحی حکم داد و در نتیجه تا پنج سال، تمام مسیحیان ایران مورد تعاقب سخت، شکنجه و عذاب بودند» (سایکس، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۸۶). بهرام اول، سیاست پدر را ادامه داد (نویسندگان، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۸؛ هوار، ۱۳۶۳، ص ۱۳۱). اقدامات قهرآمیز او «باعث کوچ مسیحیان ایرانی به روم شد» (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۵؛ مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۱۶). آزار و اذیت گروهی مسیحیان، از مشخصه‌های یزدگرد دوم بود (نویسندگان، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۱۷)؛ و گسترش آن، علمای مسیحی را مجبور به اعلان حکم جهاد کرد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸-۲۱۷؛ مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۱۹). همچنین یهودیان عصر او در فشار و سختی به سر می‌بردند (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸-۲۱۷؛ مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۱۸). در همین راستا خسرو اول به قتل‌عام بزرگان مسیحی اقدام کرد (کولسنیکف، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹). در اواسط پادشاهی شاپور دوم، امپراطوری روم، دین مسیحیت را پذیرفت. از این رو «بقیه پادشاهی طولانی شاپور دوم، به خون مسیحیان آغشته» (گیرشمن، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۴۰)، و «جامعه مسیحی در

الف. در صورتی می‌توان از تسامح مذهبی پادشاهان ساسانی سخن گفت که خود پادشاه، تغییر مذهب نداده باشد؛ درحالی که بسیاری از پادشاهان ساسانی دست از مذهب رسمی ایران آن دوره برداشتند و به دیگر جریان‌های فکری - معرفتی انسانی و غیرانسانی روی آوردند؛ مانند خسرو دوم و قباد دوم. حتی برخی پادشاهان به اصلاح پیامدهای تغییر مذهب پادشاهان قبلی اقدام می‌کردند؛ مانند خسرو اول که بعد از قباد به قدرت رسید و والدین فرزندان مجهول را معلوم کرد و زنان را نزد همسرانشان بازگرداند (مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۷۹).

ب. برخی پادشاهان ساسانی، پارادوکس رفتاری در برخورد با مذاهب داشتند. به عنوان مثال یکی از آنها از یک سو به مذهبی خاص گرایش داشت و در زمانی دیگر در مورد همان مذهب، خشونت مذهبی را به کار می‌برد و از سوی دیگر نسبت به مذاهب دیگر، بی‌اعتنایی مذهبی را در پیش می‌گرفت؛ همانند یزدگرد اول. این مسئله با تلاش برای اتحاد مناطق، تسامح و کنجکاوی مذهبی سازگار نیست.

ج. سخن از تسامح مذهبی افرادی مانند شاپورین اردشیر، با حضور افرادی مانند کرتیر در دربار وی، که در خشونت مذهبی معروف است؛ کار را دشوار می‌کند. این مسئله زمانی سخت‌تر می‌شود که کرتیر به عنوان هیربدی ساده (از درجات پیشوایان دینی به معنای آموزگار (اوشیدری، ۱۳۸۹، ص ۵۰۴) در عهد شاپور اول، در دوره پادشاهان بعدی ارتقای جایگاه می‌یابد و به مقام موبدان موبد (رئیس موبدان) می‌رسد (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱).

با توجه به موارد بیان شده، تحلیل تنوع مذهبی پادشاهان ساسانی از طریق تسامح مذهبی، کنجکاوی مذهبی، درمان پادشاهان توسط مسیحیان، تلاش برای اتحاد جغرافیایی و کاهش نفوذ نجبا و بزرگان زرتشتی کامل نیست. بنابراین علل و عوامل دیگری در این زمینه مؤثر بودند که بسترهای سیاسی و زمینه‌های نظامی از جمله آنها ارزیابی می‌شود.

۲-۴. رویکرد قهرآمیز نسبت به دیگر مذاهب

پادشاهان ساسانی متناسب با نوع مذهب مختار خود، نسبت به دیگر مذاهب واکنش‌های قهرآمیز داشتند. بعد از رسمی شدن آیین زرتشتی در ایران توسط اردشیر، قلع‌وقمع پیروان ادیان یهودی، بودایی، برهمنی، عیسوی، مندایی و مانوی، مانند دوره هرمز اول (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۹۰-۲۹۷) احیا شد. کرتیر مخصوصاً به یهودیان و بوداییان و هندوان و مانویان تاخته و کانون‌های ایشان را تباہ ساخت.

۳. پیامدشناسی حیات دینی پادشاهان ساسانی

ایجاد فاصله میان پیامبران، به تحریف معرفتی و ساختاری ادیان الهی از سوی پادشاهان ظالم و ستمگر در طول تاریخ منجر گردید. پادشاهان ساسانی از جمله آنها بودند که حیات دینی‌شان مبتنی بر شاخصه‌های چهارگانه ذکرشده در سطور قبل ارزیابی می‌شود. شاخصه‌های مذکور، آثار و پیامدهایی را رهنمون بود که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ظهور و بروز داشت. در ادامه به پیامدهای حیات دینی پادشاهان ساسانی پرداخته می‌شود.

۳-۱. ایجاد انحراف در دین زرتشت

ساسانیان بر ایجاد انحراف و گسترش آن در دین زرتشت تأکید داشتند. پادشاهان ساسانی از یک سو برای خود جایگاه خداگونه در جامعه ترسیم می‌کردند و از سوی دیگر خود را جانشین خدا روی زمین معرفی و حکومت پادشاهی را مأذون از جانب خدا می‌دانستند! از این رو به تحریف دین زرتشت در راستای تحکیم پایه‌های قدرت خود اقدام می‌کردند. بزرگان زرتشتی با دستور ساسانیان، انحرافات فراوان در دین زرتشت را ایجاد (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۲۵۳؛ افتخارزاده، ۱۳۷۷، ص ۴۴) و یا انحراف‌ها را تقویت کردند. مانند کودکان روابط آزاد، که پیک خدایان معرفی می‌شدند (بارتولومه، ۱۳۳۷، ص ۲۲). منظور از کودکان روابط آزاد این بود که اگر پدری عمداً از انجام وظیفه خود نسبت به دخترش کوتاهی ورزد، در این صورت دختر می‌توانست به ازدواج نامشروع اقدام کند. در این مرحله، قوانین حکومت ساسانی پشتیبان دختر بود و برای فرزندان روابط آزاد نیز حقوقی در نظر می‌گرفت. این کودکان عشق آزاد، در ابتدا تحت سرپرستی مادر خود و در خانه پدربزرگ مادری خویش رشد و تربیت می‌یافتند. نام این فرزندان، پیک خدایان نام داشت (بارتولومه، ۱۳۳۷، ص ۴۹-۵۰). از دیگر انحراف‌ها، سنت خویوده بود (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۶؛ بارتولومه، ۱۳۳۷، ص ۶۱؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۳۲۱). «خویوده» ازدواج با محارم، یعنی ازدواج پدر یا پسر با مادر یا خواهر یا دختر بود (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۶). بنابراین پادشاهان ساسانی ابزارسازی مذهبی را تئوریزه و دین را بازیچه خود قرار داده بودند. آنها به بزرگان زرتشتی می‌گفتند از یافته‌های خود بر دانش مردم بیفزایند (افتخارزاده، ۱۳۷۷، ص ۴۴). از اصول مبتنی بر عقل و وحی، همراهی و دخالت دین تحریف نشده با سیاست و حکومت است. همچنین مبارزه با جریان نامعقول و

ایران، از شکنجه‌ها و عذاب‌های متمادی و سخت و بی‌رحمانه او متلاشی و تقریباً نابود شد» (سایکس، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۸۷؛ ویسهوفر، ۱۳۸۰، ص ۴۰۲؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۰۷ و ۲۱۰). با شکست قیام مسیحیان ارمنستان در پادشاهی یزدگرد دوم، «بزرگان مسیحیان زندانی شدند، عیسویان ایرانی مورد شکنجه و سخت‌گیری قرار گرفته و زندانی شدند؛ اکثر آنها که از انکار مذهب خود امتناع ورزیدند پس از شکنجه‌های سخت به قتل رسیدند» (مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۲۱). با دستور پادشاهان ساسانی، مجازت‌های ایرانیان مسیحی سخت‌تر از مجازات دیگر ایرانیان بود (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹). اقدامات قهرآمیز در مقاطعی به قدری وسیع بود که منجر به بروز جنگ میان ایران روم می‌شد؛ مانند جنگ بهرام پنجم (پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۱۹۵) که طی دو سال نبردهای خونین و بی‌حاصل، بدون نتیجه پایان یافت (زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۵). در دوره فیروز اول، همانند برخی ادوار پادشاهان ساسانی (همان، ص ۲۹۰) شکنجه یهودیان (گیرشمن، ۱۳۸۸، ص ۳۵۹) و قتل‌عام آنها، خاصه یهودیان اصفهان (مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۲۲-۴۲۳) استمرار یافت. قباد اول به «قلع‌ومقع مذهبی مزدکیان» (زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۹) اقدام کرد. خسرو اول در کنار «عدم مزدک، هرکسی که به آیین مزدک بود را از دم تیغ گذراند» (دینوری، ۱۳۹۰، ص ۹۶؛ مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۹۵؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۴۷۱ و ۴۸۴) و «سر آنها را برید» (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴۸). «در این راه، بسیاری را به قتل رساند و خون بی‌شماری را ریخت» (مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۶۹)؛ تا اینکه «هشتاد هزار نفر به قتل رسیدند» (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۸) به طوری که زمین را از خون آنها آبیاری کرد (علوی، ۱۳۵۴، ص ۶۲). به دلیل وجود نظام طبقاتی، «گروش نژادگان به مذهبی غیر از زرتشت، موجب اخراج آنها از ایران و تبعید آنها می‌شد» (مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۷۹).

برخی، قتل‌عام مذهبی مسیحیان را ناشی از دینی‌شدن دولت روم می‌دانند (مشکور، ۱۳۶۹، ص ۴۰۷). گرچه این مسئله تا حدودی بر خشونت مذهبی ساسانیان تأثیرگذار بود؛ با این حال تحلیل مذکور به دلایلی که در ادامه می‌آید، کامل نیست؛ الف. عدم کمک امپراطوری روم به قیام مسیحیان در ارمنستان در زمان یزدگرد دوم (زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸)؛ ب. عدم اختصاص قتل‌عام مذهبی به مسیحیان و عمومیت آن نسبت به دیگر ادیان (همان)؛ ج. هرزگی مذهبی پادشاهان ساسانی.

۳-۳. فاصله‌گیری مردم از معنویت و اکتفا به اعمال سخت،

دشوار و نامعقول

پادشاهان ساسانی با سوءاستفاده از دین زرتشت تحریف‌شده، مردم را در سخت‌ترین فشارها در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی قرار داده بودند. مردم بیش از اعتقاد و اندیشه، به اعمال و رسوم توجه می‌کردند و از مهمل تا لحد درگیر مقررات مذهبی تحریف‌شده زرتشتی بودند. هر فرد در طول شبانه‌روز، بر اثر غفلتی محدود، دست‌خوش گناه و گرفتار پلیدی و نجاست می‌شد. تصلب و قشری‌نگری مذهب زرتشتی تحریف‌شده، همراه با رسوم و آیین‌های آن که از احکام رنج‌آور و بیهوده سرشار شده بود، تأثیر خود را از دست داده بود (مفتخری، ۱۳۸۱). استفاده از ادراک در طهارت (اوستا، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۷۴۸-۷۴۷ و ۷۵۵-۷۵۳ و ۸۳۸؛ افتخارزاده، ۱۳۷۷، ص ۲۹۱)، کاربست دشتانستان (اوستا، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۸۳۵-۸۳۹؛ شایست و ناشایست، ۱۳۶۹، ص ۶۸-۲۷) و ازدواج‌های نامعقول مانند ازدواج با محارم (روایت پهلوی، ۱۳۶۷، ص ۶۶؛ بارتولومه، ۱۳۳۷، ص ۶۱؛ کریستین سن، ۱۳۸۷، ص ۳۲۱) از جمله اعمال سخت و نامعقول بود که از سوی ساسانیان بر مردم ایران تحمیل می‌شد.

در ایران مقارن ظهور اسلام، به زنان در دوره عادت ماهیانه، دشتان می‌گفتند. در متون زرتشتی، پیدایی دشتان اثری اهریمنی در زنان است که هر ماه تکرار می‌شود (الهبوی، ۱۳۸۲، ص ۳۴). در این ایام، زنان جامعه ایرانی از جامعه طرد می‌شدند و در مکانی جدا زندگی می‌کردند. مکانی که زنان دشتان در آن نگاه‌داری می‌شدند، دشتانستان نام داشت (اوستا، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۸۳۵-۸۳۹). رویکرد مذکور تا اوایل قرن گذشته در برخی نقاط ایران استمرار داشت و از خانه دشتان (دشتانستان) برای زنان دشتان استفاده می‌شد (شایست و ناشایست، ۱۳۶۹، ص ۵۴؛ یادداشت‌ها). نوع برخورد مردم با زنان در دوره مذکور به شدت زننده و دور از شأن انسانیت بود.

۳-۴. گسترش مسیحیت در ایران

گرچه خشونت مذهبی علیه مسیحیان در ایران مقارن ظهور اسلام از سوی ساسانیان به امری نهادینه مبدل شده بود؛ با این حال، مسیحیت به دلایل مختلف در برهه‌هایی از زمان در ایران نفوذ و بالتبع گسترش می‌یافت. از این رو ساسانیان در برخی بازه‌ها اقدام به قتل عام مسیحیان و در برخی زمان‌ها که پروژه نفوذ مسیحیت در ایران گسترش

انحرافی سکولاریسم، امری مطلوب، عقلانی، مقبول و منطبق با فطرت انسانی محسوب می‌شود؛ با این حال ساسانیان همانند امویان و عباسیان، با سوءاستفاده از دین زرتشت و بازیچه قرار دادن آن، موجب انحراف‌های عمیق‌تر در باورهای ایرانیان گردیدند. با ظهور اسلام و آشنایی مردم ایران با منظومه معرفتی توحیدی، با رضایت قلبی از آن استقبال کردند و مسلمان شدند. از پیامدهای نزدیک استفاده ابزاری ساسانیان از دین زرتشت، تولد جریان «دین‌داران دین‌ستیز» بود. از این رو یکی از ویژگی‌های برخی بزرگان زرتشتی در ایران را در کنار «نفاق، فراموش‌کاری، سودطلبی، بدبینی و عصبیت، الحاد معرفی کردند» (کریستن سن، ۱۳۷۴، ص ۹۴). از پیامدهای متوسط آن، روی‌گردانی بدنه مردم از آیین زرتشتی بود و از پیامدهای دور، گرایش سریع مردم ایران به اسلام (پس از ورود آن به ایران) ارزیابی می‌شود. با ورود اسلام به ایران، «ایجاد امپراطوری جهانی مسیحی» (نویسندگان، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۸۳) با مشکل مواجه و شکست خورد. البته برخی معتقدند در صورت عدم ورود اسلام به ایران، ایرانیان باز هم مذهب زرتشتی را مذهب رسمی ایران می‌شناختند (فرای، ۱۳۸۰، ص ۵۳۸). این رویکرد با داده‌های تاریخی منابع نخستین تاریخی همسو نیست.

۳-۲. ثروت‌اندوزی بزرگان زرتشتی

پادشاهان ساسانی خود را نماینده خدا روی زمین معرفی می‌کردند. آنها در راستای قدرت‌افزایی سیاسی خود، به استفاده ابزاری از دین زرتشت اقدام کردند و بزرگان زرتشتی را به خدمت گرفتند و از طرق مختلف، به ثروت آنها می‌افزودند. بزرگان زرتشتی در کنار دودمان‌سازی برای خود (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸) ثروت بسیار از طریق حقوق مالی ثابت دینی، کفارات، نذورات و صدقات جمع‌آوری و بر بسیاری از املاک حاصل‌خیز کشور مسلط شدند (کریستین سن، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹؛ پیرنیا، ۱۳۹۳، ص ۲۳۸؛ باهنر و هاشمی، بی‌تا، ص ۵۸). از این رو در میان مردم به حرص و خست و شرارت و حيله و طمع و مال‌اندوزی و رباخواری معروف شدند (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۳۰۰). این ثروت نامشروع، اقتدار آنها را زیاد کرد (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). فساد و اشرافیت بزرگان زرتشتی با مدیریت پادشاهان ساسانی، در کنار نزاع و رقابت نجبا و بزرگان دربار در حوزه قدرت سیاسی، ثبات و استقرار سیاسی ایران را از بین برده بود (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۳۷).

دوره پارسی دوم، فرهنگ جاهلی در ابعاد مختلف با مدیریت پادشاهان ساسانی، ظهور و بروز ساختاری و معرفتی داشت. بعد دینی، بعد زنان و نظام خانواده، بعد سیاسی و نظامی، بعد اقتصادی، بعد علمی - آموزشی و بعد روابط و مناصب از آن جمله است.

پادشاهان ساسانی همانند امویان و عباسیان، از دین سوءاستفاده می کردند. حیات دینی پادشاهان ساسانی مبتنی بر شاخصه‌های چهارگانه بود. آنها برای خود جایگاه خداگونه تعریف می کردند و مردم را ملزم به پذیرش دو نوع خدا می کردند. ساسانیان خود را جانشین منصوب خدا معرفی می کردند و آن را هدیه خداوند به خودشان می دانستند و به آن در سخنان خود افتخار می کردند. اصولاً ساسانیان هیچ اعتقادی به ادیان الهی و غیرالهی نداشتند. از این رو علی‌رغم اینکه دین رسمی ایران دوره ساسانیان، زرتشتی بود؛ مذهب خود را تغییر می دادند و به ادیان دیگر می گرویدند. ساسانیان گاهی به مسیحیت گرایش پیدا می کردند؛ گاهی زرتشت را می پذیرفتند و گاهی مزدکی و برخی اوقات به مانی می گرویدند. رویکرد پادشاهان ساسانی در حوزه‌های مختلف، خشن و قهرآمیز بود. این رویکرد در حیات دینی ساسانیان به صورت راهبردی ثابت، مورد کاربست روشی و محتوایی قرار می گرفت. از این رو برخورد خشن و حداکثری با ادیان در دستور کار پادشاهان ساسانی قرار داشت. از سوی دیگر ساسانیان، متناسب با دینی که انتخاب کرده بودند به قلع و قمع دیگر ادیان می پرداختند. مدل زیست‌دینی پادشاهان ساسانی پیامدهای منفی و گوناگونی را رهنمون بود. ایجاد انحراف در دین زرتشت، ثروت‌اندوزی بزرگان زرتشتی، فاصله‌گیری مردم از معنویت و اکتفا به اعمال سخت، دشوار و نامعقول، گسترش مسیحیت در ایران، و درنهایت، جابجایی و مهاجرت مردم، برخی از پیامدهای حیات دینی پادشاهان ساسانی ارزیابی می شود. سرانجام با ظهور اسلام و گسترش آن، مردم ایران مسلمان شدند و پروژه جهانی‌سازی مسیحیت شکست خورد و دین اسلام و تمدن اسلامی در جهان گسترش یافت.

منابع

آقایی، مزدک، ۱۳۸۰-۱۳۸۱، «اصلاح‌طلبی و فروپاشی»، هفت آسمان، ش ۱۳ و ۱۲، ص ۱۶۸-۱۳۱.

افتخارزاده، محمودرضا، ۱۳۷۷، *ایران آیین و فرهنگ*، تهران، رسالت قلم.
امینی‌فر، حسن و محمد دشتی، ۱۳۹۰، «فراز و فرود مسیحیت در نگرش حکومت‌های ایران»، *تاریخ اسلام در آئینه پژوهش*، ش ۳۰، ص ۳۲-۳۵.
اوستا، ۱۳۷۱، *گزارش و پژوهش: جلیل دوستخواه*، ویرایش دوم، تهران، مروارید.

می‌یافت، به مسیحیت گرایش پیدا می کردند و فضای اجتماعی حداکثری به مسیحیان جهت رشد و توسعه در ایران می‌دادند. توضیح اینکه، از آثار تنوع مذهبی پادشاهان ساسانی، خاصه گروهش آنان به عیسویان، نفوذ و گسترش مسیحیت در ایران بود که در مصادیق متعدد متجلی بود. در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

اهدای هدایا و نذورات به مسیحیان (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۴۶؛ کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۴۶۹)، اعطای مناصب و مشاغل بزرگ در ایران به مسیحیان (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۷)، تأسیس کلیساهای فراوان در ایران (همان؛ زرین کوب، ۱۳۷۸، ص ۲۴۶)، تصاحب نزدیک‌ترین جایگاه‌ها به پادشاه از «همسران تا محافظین» (همان)، «انتخاب پادشاهان» توسط مسیحیان (زرین کوب، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۲۰) و آزادی دینی عیسویان (کریستن سن، ۱۳۸۷، ص ۴۶۹). گسترش روزافزون آیین مسیحیت در ایران در اواخر دوره ساسانیان به‌ویژه در عصر خسرو دوم چشمگیر بود (نویسنندگان، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۸۱). نتیجه اینکه، گسترش مراکز فرهنگی - تبلیغی مسیحیان و نفوذ آنها در سطوح مختلف تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز دربار ساسانیان، تیر خلاصی بر پیکره نیمه‌جان ساسانیان بود.

۳-۵. جابجایی و مهاجرت مردم

از پیامدهای رویکرد قهرآمیز ساسانیان نسبت به دیگر مذاهب، مهاجرت مردم شهرها به مناطق دیگر و تغییر جغرافیای انسانی و مذهبی مناطق بود؛ مانند تخلیه شهر نصیبین مسیحی از ترس پادشاهی ساسانی و مهاجرت مردم به روم. توضیح اینکه در جریان مذاکرات میان رومیان و ساسانیان، شهر نصیبین که مسیحی نشین بود، به ایران تحویل داده شد. همین مسئله باعث مهاجرت ساکنین شهر نصیبین به دیگر شهرهای روم گردید. ترس ساکنین مسیحی نصیبین از ساسانیان، باعث مهاجرت آنها به دیگر مناطق شده بود. مهاجرت مسیحیان نصیبین به دیگر مناطق، منجر به خالی شدن شهر از سکنه گردید. از این رو شاپور مجبور شد هزار خانواده از شهرهای استخر و اسپهان و حوزه‌های دیگر ایران را به نصیبین بکوچاند و در آنجا ساکن گرداند (مسکویه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴۲).

نتیجه‌گیری

جهان مقارن ظهور اسلام، آلوده به مؤلفه‌های فرهنگ جاهلی در ساحت‌های مختلف بود. ایران از این مسئله مستثنا نبود. در ایران

کریستین سن، آرتور امانوئل، ۱۳۸۷، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، نگاه.

—، ۱۳۷۴، *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان*، ترجمه مجتبی مینوی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کولسنیکف، ا. ا. ای، ۱۳۸۹، *ایران در آستانه سقوط ساسانیان*، ویراستار ن. و. پیگولفسکایا، ترجمه محمدرقیق یحیایی، تهران، کندوکاو.

گیرشمن، رومن، ۱۳۸۸، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی.

محمودآبادی، سیداصغر، ۱۳۷۷، «بررسی مبانی سیاسی-ایدئولوژیک دو جامعه عرب و ایرانی مقارن ظهور اسلام ۲»، *فرهنگ اصفهان*، ش ۱۰ و ۹، ص ۲۵-۱۴.

مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۷۴، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.

—، ۱۳۸۹، *التنبیه والاعتراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.

مسکویه رازی، ابوعلی، ۱۳۸۹، *تجارب الأمم* (آزمون‌های مردم)، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.

مشکور، محمدجواد، ۱۳۶۹، *ایران در عهد باستان (در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام)*، بی‌جا، اشرفی.

—، ۱۳۸۹، *تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه*، تهران، صفار و اشراقی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم، جامعه مدرسین.

مفتخری، حسین، ۱۳۸۱، «اوضاع سیاسی، مذهبی ایران در آستانه ظهور اسلام»، *تاریخ اسلام*، ش ۱۰، ص ۸۱-۱۰۰.

میرزایی، علی اصغر، ۱۳۸۸، «کارکرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آتشکده‌ها در عصر ساسانی»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، ش ۲، ص ۱۲۳-۱۴۰.

مینوی، مجتبی و محمداسماعیل رضوانی، ۱۳۵۴، *نامه تنسیر به گشنسپ*، تهران، خوارزمی.

نمیرانیان، کنایون، ۱۳۸۱، «زرتشتیان ایران و اوصاف آنها»، *علوم اجتماعی و انسانی*، ش ۳۶، ص ۱۶۱-۱۷۴.

نویسندگان، ۱۳۸۹، *تاریخ ایران کمبریج*، قسمت سوم ساسانیان، ترجمه تیمور قادری، تهران، مهتاب.

وامقی، ایرج، ۱۳۷۷، «سیاست مذهبی دولت ساسانی در برخورد با روم شرقی»، *اطلاعات اقتصادی-سیاسی*، ش ۱۲۹ و ۱۳۰، ص ۳۲-۴۹.

ویسپوف، یوزف، ۱۳۸۰، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*، ترجمه مرتضی ناقبفر، تهران، ققنوس.

هوار، کلمان، ۱۳۶۳، *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.

الیهویی نظری، زهرا، ۱۳۸۲، «جایگاه زن در فرهنگ و حقوق عصر ساسانی»، *علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، سال سیزدهم، ش ۴۶ و ۴۷.

یعقوبی، احمد بن اسحاق، ۱۳۸۷، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.

—، ۱۳۹۱، *پژوهش استاد یورداوود، گزارش دکتر دوستخواه*، تهران، مروارید.

اوشیدری، جهانگیر، ۱۳۸۹، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران، مرکز.

بارتولومه، کریستین، ۱۳۳۷، *زن در حقوق ساسانی* (ترجمه و ملحقات با مقدمه‌ای در تیپ‌شناسی حقوقی و روانشناسی جنسی ایران ساسانی)، ترجمه ناصرالدین صاحب‌الزمانی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی تحقیقات خاورشناسان.

باهنر، محمدجواد و اکبر هاشمی، بی‌تا، *جهان در عصر بعثت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلام.

پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، ۱۳۷۰، *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه*، تهران، خیام.

—، ۱۳۸۷، *تاریخ ایران از مادها تا انقراض قاجاریه*، تهران، سمیر.

—، ۱۳۹۳، *ایران قدیم*، تهران، اساطیر.

تمری، نازنین، ۱۳۹۰، «مهرها و اثر مهرهای تخت سلیمان - آتشکده اذرگشنسب»، *مطالعات ایرانی*، ش ۲۰، ص ۷۱-۹۲.

جعفری تبار، حسن، ۱۳۸۴، «هم‌شهریاری، هم‌موبدلی؛ گفتاری در حقوق مذهبی ایران در دوره ساسانیان»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۷۰، ص ۴۳-۷۴.

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، ۱۳۹۰، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.

رضا، عنایت‌الله، ۱۳۸۱، «سیاست دینی خسرو دوم»، *فرهنگ*، ش ۴۳، ص ۱-۲۰.

روایت پهلوی - متنی به زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی، ۱۳۶۷، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۵، *روزگاران ایران (گذشته باستانی ایران)*، تهران، سخن.

—، ۱۳۷۸، *روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی*، تهران، سخن.

—، ۱۳۹۲، *تاریخ مردم ایران*، تهران، امیرکبیر.

زمانی، حسین، ۱۳۸۵، «روند مناسبات دینی و سیاست در ایران باستان با تکیه بر دوره ساسانیان»، *تاریخ*، ش ۲، ص ۵۵-۸۴.

سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۸، *تاریخ ایران*، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب.

سیاست و ناسیاست متنی به زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی)، ۱۳۶۹، ترجمه و آوانویس کنایون مزدپور، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صالحی، کوروش و دیگران، ۱۳۸۸، «نقش روحانیان زرتشتی در ساختار جامعه ایران عصر ساسانیان»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ش ۵، ص ۱۱۹-۱۴۸.

طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۲، *تاریخ طبری* (تاریخ الرسل و الملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.

علوی، پرتو، ۱۳۵۴، *مختصری درباره تاریخ مزدک*، تهران، اندیشه.

فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۶۸، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی.

—، ۱۳۸۰، *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی.